

آمیولاتس

متن کامل اعترافات قلیان



پوریا عالمی

• به گزارش «مهرا»، «قهوه‌خانه‌داران در اعتراض به پلمب مغازه‌هایشان به‌دلیل ارایه قلیان مقابل مجلس تجمع کردند، به همین مناسبت ترتیب گفت‌وگوی زیر را دادیم؛ -خود را معرفی کن و یگو چرا دستگیر و پلمب شدید؟

: قل‌قل... من تنباکو قلیان چاق‌کنیان هستم و با چاقی کردم باعث تدخین جولان و تدفین پیران می‌شوم.

- آیا خودت‌ان خودت‌ان را چاق می‌کردید یا افرادی هدایت‌شده شما را چاق می‌کردند؟

: همان‌طور که شما گفتید افرادی هدایت‌شده می‌آمدند و با استفاده از شلنگ من را چاق می‌کردند.

- قبول دارید که عامل گردهمایی‌های غیرمجاز بودید؟

: بله، من را می‌گذارند وسط و گرد من هم می‌آیند و نشست‌برگزار می‌کنند.

- فکر می‌کنی چرا اینجایی؟

: تا جولان ذهنشان درگیر این موضوع شود که چرا من ممنوع هستم قل‌قل... قل... - قل‌قل اضافه نکن.

: چشم... قل... -بعد از جنبش تنباکو کجا بودید و چه‌کار می‌کردید؟

: ما مدت‌ها همچون عشق در پستوی خانه نهان بودیم.

- و آیا این درست است که خانوادگی فعالیت می‌کنید؟

: نه درست نیست، چون فقط پدربرزگم که در تحریم تنباکو دچار رکود شد، سابقه دارد.

- آیا قبول داری که با غرغر کردن تلاش مذبح‌خانه داشتی؟

: خیر، من غرغر نمی‌کنم، قل‌قل می‌کنم، قل‌قل... قل... - مثل اینکه این قلیان کام نمی‌دهد، سریع آن زغال را بی‌آورد چاقش کنیم... -

: بله‌بله، من دارم غرغر می‌کنم.

- سازوکار ت چه بود؟

: سازوکار من اینطوری است که یک پارچ آب می‌ریزند توی دلم، بعد یک شلنگ وصل می‌کنند. سپس با گذاشتن زغال گذاخته، جولان مردم را فریب می‌دادم تا بنشینند و قلیان بکشند تا اینطوری از انواع سرگرمی‌های شبانه‌روزی که مسئولان برایشان در نظر گرفته‌اند دور شوند.

- در پایان از همه‌چیز عذرخواهی کن و یگو برای جبران گذشته چطوری می‌خواهی ایندما را اصلاح کنی؟

: من در پایان از همه‌چیز عذرخواهی می‌کنم، من حاضرم به‌خاطر جبران گذشته، از این به‌بعد به‌عنوان آفتابه به جولان خدمت کنم، قل‌قل... قل... ببخشید بی‌رحمت این زغال من را کم کنید، دیگر دارم جوش می‌آورم.

شترق

روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱ مرداد ۱۳۹۳ • ۲۵ رمضان ۱۴۳۵ • ۲۳ جولای ۲۰۱۴ • سال یازدهم • شماره ۲۰۷۱ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۶ • اذان صبح فردا ۴:۲۶ • طلوع آفتاب ۶:۰۶

روزنامه‌فرا

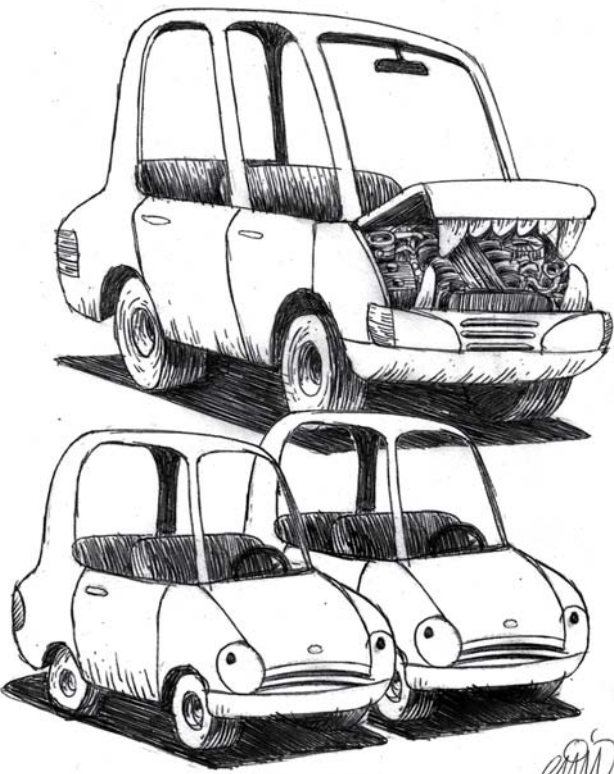
fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

علی جهانشاهی



زمزمه ورود قطب سوم خودروسازی



واکنش

برای کودکان غزه: اگر می‌توانستم نجاتشان می‌دادم



مرضیه برومند

می‌دهند، یا کودکان سوریه را هم فراموش می‌کنیم. باید حواسمان باشد که برای خاورمیانه ما چه نقشه وحشتناکی کشیده‌اند. خود ما اهالی خاورمیانه هم که انگار به این دسیسه‌ها دامن می‌زنیم، وقتی این‌روزها در منطقه ما مسلمانان علیه یکدیگر می‌جنگند، دیگر چه می‌شود گفت؟ من فکر می‌کنم دشمن اصلی در درون خود ماست، دشمن خشونت‌طلب درونمان را پیدا کنیم و بکشیم.

کار کنیم و در کارهایمان از صلح و دوستی و آرامش که حق طبیعی بشر برای زندگی است حرف بزنیم. فکر کردن به حال‌وهوای این روزهای بچه‌های غزه حتی دشوار است. اگر می‌توانستم نجاتشان می‌دادم، متأسفانه مشکل خشونت، فقط به غزه محدود نمی‌شود. این روزها خشونت همه جا را گرفته. فقط برای بچه‌های غزه ناراحتیم اما یادمان می‌رود کمی این سوت‌ر در عراق کودکانی زیر جنایات داعش هم جان

تصاویر این‌روزهای بچه‌های غزه واقعا دلخراش است، اما چه کاری از ما برمی‌آید؟ به گمان من تنها کاری که از ما برمی‌آید این است که هرچه بیشتر

پرسه

دارو، بیمار است

در تهرانسر بود، موتور گرفتیم، با امضا که برگشتیم، اذان ظهر هم تمام شده بود. کارتن آمپول‌ها را گذاشت و گفت: «۴۰۰ هزار تومان!» شانس آورده بود که سورفکتانت بود در بازار، شانس آورده بود که منتظر نمانده بود. شانس آورده بود که داشت دست پر برمی‌گشت پیش پسرش، توی راه، روی موتور گفت که هنوز ندیده‌اش و لحظه تولد پیشش نبوده. باید می‌رفته و خرج ماندن بچه در دست‌آگاه را هماهنگ می‌کرده؛ شبی دویلمیون تومان! گفت: «این دارو، خودش مریضه، خودش بیمار!ا یاد یکی خودشو درمون کنه»

قبض مانده بود و نفر دهم بودیم توی صف صندوق داروخانه هلال احمر جواب درست‌ودرمانی نداد. برای این مورد آمپول سورفکتانت تزریق می‌شود، نباید کافیین یا تنوفیلین. دم هر باجه که می‌رفتیم حتی نمی‌توانستیم اسمش را درست تلفظ کنیم، نسخه‌پیچ‌های ۱۳۱۳ آن‌ها اما خیلی خوب گوششان با این کلمات آشناست. مرد سفیدپوش گفت: «کو تایید بیمه؟» جواب شنید که نسخه را رییس بیمارستان فلان نوشته، توی دفترچه بیمه، تایید نمی‌خواهد! جواب مرد: «کنسکس‌های‌ها بدون تایید بیمه داده نمی‌شوند» بیمه

سعید برآبادی: نرسیده به بیمارستان، موبایلش زنگ خورد. مادرش بود. گفت «باید برویم سریع از اورژانس نسخه بچهره بگیریم و ببریم داروخانه هلال احمر.» گفتم «یک‌ساعت نیست به‌دنیا آمده، دارو واسه چی می‌خوان؟» بچه زودتر به دنیا آمده بود بدون آنکه ریه‌ای در تنش شکل گرفته باشد، شکل ساده‌اش می‌شود «آینه» که آنقدر رایج شده که پزشکان نسبت به شیوع آن هشدار داده‌اند. مریضی نوزاد او اما آینه نبود، پرستار گفت RDS دارد. گفت: «یعنی چی؟» هیچ‌کام نمی‌دانستیم، پرستار هم سرش شلوغ بود. سه تا

باجه پرداخت

فاجعه‌ها و رسانه‌ها

که دایم توی گوشمان باشد و وقتی خاموش می‌شود، می‌فهمیم سکوت چقدر ارزشمند و گواراست. نتایهاو وقتی به اعتراض‌های مسلمان و غیرمسلمان نگذاشته و به جای اینکه پیام‌های نهادها و گروه‌های مختلف مردم دنیا را بشنود، شبانه‌روز روی نقشه‌های خودش کار می‌کند. او هم اولین و آخرین خونریز تاریخ نیست و می‌داند هیاوهی رسانه‌ها، تظاهرات خیابانی معترضان و آتش گرفتن پرچم‌ها همیشه بوده و بازهم خواهد بود. او و امثال او در طول سال‌ها مایه ارتزاق خیلی از رسانه‌ها بوده‌اند. خیلی از بهترین عکس‌ها و تیتیرهای خبری دنیا از دل جنگ‌آفرینی‌های امثال او زاده شده است. پس پاره‌ای اوقات بهترین‌ها از دل بدترین‌ها پدید می‌آیند. اما نمی‌توان آنها را «بهترین» نامید. شاید «بجاترین» یا «تاثیر گذارترین»، «واژه‌های بهتری باشد.

و به قدری دارای «تنوع خبری» شده که رقابت میان رسانه‌ها و حتی رقابت برای واکنش‌های انسان‌دوستانه، خود تبدیل به یک سوزه شده است. معمولاً بهترین عکس‌های سال دنیا را عکس‌های صحنه‌های جنگ و جنگ‌زدگان تشکیل می‌دهند. مشهورترین خبرنگارهاو پربیننده‌ترین گزارش‌های تلویزیونی نیز ارتباط‌مستقیم با پوشش حوادث جنگ داشته‌اند. وقتی رقابت برای ثبت بهترین عکس‌ها و یا رقابت بر سر کوبنده‌ترین تیتیر خبری، از دل خاک‌وخون جنگ برمی‌خیزد، زیاد نمی‌شود به رست‌های انسان‌دوستانه رسانه‌ای اعتماد کرد. حتی گاهی اوقات «کمی» هم نمی‌شود اعتماد کرد. دست‌کم برای ما خاورمیانه‌ای‌ها خون و خشونت و آوارگی به یک اهنگ ملال‌آور تبدیل شده است که تصویری از توقفش نداریم. درست مثل صدا یا اهنگی

جواد ماه‌زاده: این‌روزها صفحه‌های مجازی و ویلاگ‌ها پر شده‌اند از تصاویر کودکان غزه. هر کس سعی می‌کند به توبه خود واکنشی نشان دهد، تقریباً همه هم متفق‌القول معتقدند با این واکنش‌ها نه کک آمریکا و اسرائیل می‌گردد و نه کشمکش چندده‌ساله اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها پایان می‌گیرد. از آن زخم‌های خوب‌نشدنی که هر روز باید پانسمانش کرد و برای التیامش مرهم مالید و مسکن خورد. این روزها رسانه‌ای نیست که غزه را مهم‌ترین سوزه خبری‌اش ندانند. اما برای بسیاری از آنها غزه فقط یک سوزه خبری است. همان‌طور که پیش از دامنگیری آتش در این شهر، عراق سوز‌مشان بود و پیش‌تر فجایع سوریه و قربانیانش. می‌توان گفت تعدد رویدادهای خونین و کینه‌توزانه در خاورمیانه از شمارش درآمد



فقط با ضمانت **سام**
مرکز تماس: ۰۲۱-۸۲۵۵۵ سرویس

اولین تلویزیون **Curved UHD TV** در جهان
سری فراگیر

